

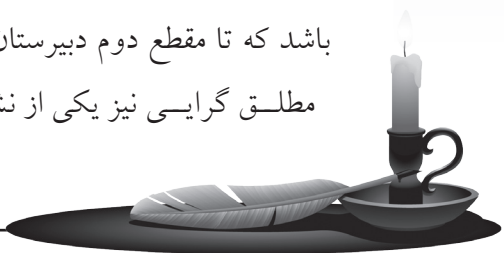
یکی از مهمترین مسائل جلسات شناختن رفتار فراگیران می باشد. بعضی از وقت ها رفتارهایی از فراگیران سر می زند که مربی به فکر تردد او می افتد ولی این رفتارها ممکن است که یک شیطنت ساده باشد که این لزوم شناخت رفتارها را برای مربی مشخص می کند. این رفتار انسان می باشد که نوجوانی حالت طغیان در انسان به وجود می آورد و این حالت جزء فطرت نوجوانی می باشد.

### درون گرایی

یکی از حالت های دوران نوجوانی می باشد. نوجوان در این سن به جای اینکه مشکلات خود را حل کند با مشکلات خود درگیر می شود. یک مشکلی که از نظر ما ساده می باشد در نظر نوجوان ممکن است بسیار پیچیده باشد و مربی در برطرف کردن این مشکلات و مسائل می تواند به فراگیر کمک موثری داشته باشد.

وقتی فراگیر با مربی صحبت می کند گاهی به صورت درد و دل می باشد که مربی در این زمان باید شنونده خوبی باشد و بگذارد تا فراگیر حرف خود را کامل بیان کند و بعد اگر لازم شد او را راهنمایی کند. یکی دیگر از نشانه های دوران نوجوانی عدم تصمیم گیری جدی می باشد که تا مقطع دوم دبیرستان به ثبوت می رسد.

مطلق گرایی نیز یکی از نشانه های این دوران است که نوجوانان





تصمیم نمی گیرد اگر هم تصمیم به چیزی بگیرد فکر می کند که تصمیم او درست‌ترین تصمیم می باشد.

نوجوانان در این دوران به دنبال استقلال هستند ، مثلاً دوست ندارد با مادر خود به مدرسه بیاد.

نوجوانان در این دوران سیطره عاطفی را نیز نمی پذیرند. برخورد مربی با فراگیر در مقطع راهنمایی می تواند برخورد عاطفی باشد اما در مقطع دبیرستان باید نقش مربی بودن جدی تر شود و از برخورد صرفاً عاطفی اجتناب شود.

دوست افراطی : در دوران نوجوانی و پایین تر دوستی افراطی هست و به عنوان یک هم بازی بیشتر برای فرد مطرح هست حال در سنین بالا مثلاً دبیرستان برای فرد رفیق جلو می کند و روی ان هم حساس و پای بند می باشد.

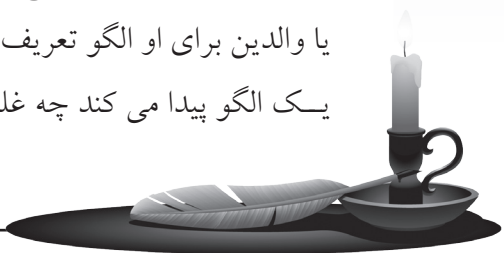
یکی از موانع جلسه انس بیش از حد با فراگیران می باشد که باعث می شود فرد جدید دیگری به جلسه راه پیدا نکند و اگر هم در جلسه حاضر شوند به زودی از جلسه حذف می شوند.

رفتار شخصیتی : در سن نوجوانی فرد دنبال وظیفه و نقش می باشد. جلساتی که ۲ ساعت در هفته با فراگیران ارتباط دارند نمی تواند نقش به فراگیر بدهند در حالی که جلساتی که در طول هفته به عنوان های مختلف



با فراگیر ارتباط دارند بهتر می توانند فرد را دارای نقش و وظیفه کنند. در جلسات مربی می تواند از نقش هایی مثل کنفرانس دادن به فراگیر ، انجام پذیرایی جلسه و . . . برای نقش دادن به فراگیر استفاده کند. نیاز به احترام یکی از رویدادهای این سن می باشد. چون فراگیر احساس برزگی می کند یا استقلال داشتن خود را دوست دارد ، علاقه دارد که دیگران به او احترام بگذارند. در جلساتی که سن فراگیران بالاتر هست بهتر است جلسه به صورت تحلیلی اداره شود و این کمک می کند که جلسه زنده تر باشد ولی در سن های پایین بهتر است که جلسه به صورت حفظی باشد. در سن نوجوانی فرد بیشتر متمایل به بحث کردن می باشد و بهتر هست که مباحثی در جلسه ارائه شود که همراه با بحث کردن باشد. ترسیم های هدف های ذهنی و ایجاد رویا یکی از رویدادهای سن نوجوانی می باشد در این سن ایجاد رویا و رویاپردازی چیز غیر عادی نمی باشد ولی اگر زیاد از حد شود به یک بیماری تبدیل می شود و در آینده مشکل ساز می شود.

در این سن نوجوان احتیاج دارند که یک الگو داشته باشند و اگر مربی یا والدین برای او الگو تعریف نکنند یا به او نشان ندهند نوجوان خود یک الگو پیدا می کند چه غلط و چه درست. ممکن هست که یک





فوتبالیست باشد و . . .

گروه گارایی: نوجوان در این سن به شدت علاقه به گروه کارایی دارد. مربی باید سعی کند این گروه کارایی را در جلسه به ظهور برساند تا فرد خود را جزء جلسه و جلسه به عنوان یک گروه بشناسد و اگر مربی این کار را نکند نوجوان شخصاً برای خود گروه درست می کند و به دنبال آن می رود.

سهل انکاری: نوجوانان در این سن خیلی سهل انکار هستند و نباید سهل انکاری آنان را به پای لجبازی یا تنبلی گذاشت.

یکی دیگر از خصوصیات روانی این سن تلاطم روانی و عاطفی می باشد که هر چه فرد سن او بیشتر می شود این تلاطم رو به ثبات خود می رود. نقد کردن دیگران: نوجوان در این سن دیگران را زیاد نقد می کند که ای نیز امری طبیعی می باشد.

آرمان گرایی و هویت گرایی نیز از نشانه های بارز این سن می باشد که نوجوان به دنبال آن می باشد.

دوستی در سن نوجوانی دیوانه آور می باشد و یک مرحله گزار می باشد.

### نحوه پیشگیری

باید نوجوانان را در نحوه پیدا کردن دوست راهنمایی کرد که در این



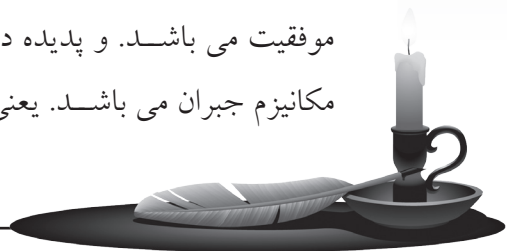
امر دوچاره اشتباه و اثرات بد آن نشوند.

وقتی که فراگیر با همسن و سال خود در جلسه دوست می شود و این دوستی از نوع دوستی های افراطی هست کاری از دست مربی برای جلوگیری آن بر نمی آید و مربی باید صبر کند که تب این دوستی افراطی فروکش کند. و هر چه این دوستی به جلو پیش می رود عقلانی تر خواهد. مربی باید غیر مستقیم این امر را هدایت کند چون به صورت مستقیم اثر گذار نخواهد بود.

مربی خوب مربی می باشد که اگر عملی از فراگیر در جلسه مشاهده می کند به دنبال علت بوجود آمدن آن باشد تا بتواند برخورد صحیح را با آن داشته باشد.

### عدم موفقیت

بعضی از فراگیران در جلسه دوچاره عدم موفقیت می شوند که یا به علت نرسیدن به هدف یا به علت اهداف متناقض می باشد که اثرات آن این می باشد که در جلسه شروع به پر خاشگری می کند که بعضی از مربیان این عمل را پای بی ادبی فراگیر کی گذارند ولی این پر خاشگری از یک هدفی است که به آن نرسیده است و یا به نحوی به خاطره عدم موفقیت می باشد. و پدیده دیگری که ناشی از این قضیه می باشد مکانیزم جبران می باشد. یعنی فردی عدم موفقیت خود را در هدفی و





با اهمیت دادن و وقت گذاشتن برای هدف دیگری جبران می کند. مثلاً در درس خواندن دوچاره عدم موفقیت می باشد بعد بیشتر به ورزش اهمیت می دهد و برای آن وقت می گذارد تا به گونه ایی این عدم موفقیت را در ورزش جبران کند.

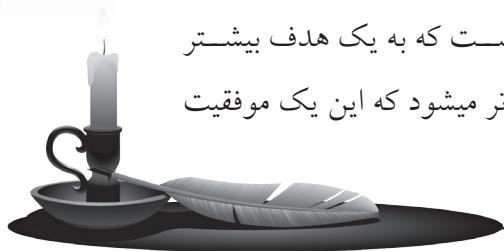
### دلیل تراشی و فرافکنی:

فراگیری که دوچاره عدم موفقیت شده است از این دو مقوله استفاده می کند که خود را توجیه کند. دلیل تراشی یعنی برای کار خود و عدم موفقیت خود دلیل می سازد و فرافکنی که عدم موفقیت خود را به گردنه چیزی یا کسی می اندازد.

نوجوانی که در جلسه دوچاره احساس عدم امنیت می شود شروع به تیکه پرایی می کند تا نظر دیگران را به خود جلب کند. مثلاً مانند فردی که در جلسه شرکت می کند مبحث را درک نمی کند و به همین دلیل برای ابراز کردن خود شرو به شوخی کردن و تیکه پرانی می کند.

منفی بافی: یکی دیگر از اثراتی که عدم موفقیت دارد منفی بافی هست. مثلاً فراگیر در جلسه شروع به انتقاد از جلسه می کند که این انتقاد به خاطر جلب توجه هست.

واکنش سازی که فرد دارای ۲ هدف هست که به یک هدف بیشتر اهمیت می دهد و هدف دیگری کم رنگ تر میشود که این یک موفقیت





می باشد و عکس العملی مثبت می باشد.

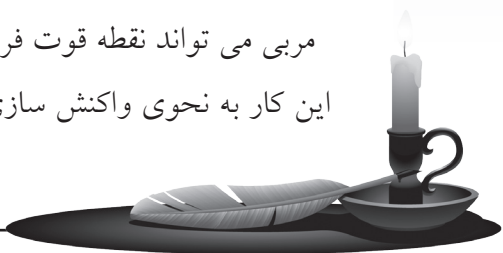
مطلبی که در جلسه گفته می شود سعی شود بیشتر کاربردی باشد و به سئوالات فراگیران پاسخ داده شود و مطلبی بیان شود که مناسب حال فراگیران و متناسب با احوال ایشان باشد.

در جلسه فرصت هایی قرار بدیم تا فراگیر نظرات خود را بیان کند تا ما با استفاده از این نظرات مطالب را انتخاب کنیم تا در جلسه بیان شود. مربی موفق مثل بچه با فراگیران رفتار نمی کند بلکه به ایشان شخصیت می دهد چون فراگیران عاشق شخصیت دادن به خودشان هستند. مربی شخصیت فراگیران را شکل می دهد چه در جلسه چه در اجتماع. مثلاً در کارهای مثبت فراگیر را تشویق کنیم و در کارهایی که نباید انجام دهند با رفتار خود فراگیر را از آن کار منع کند.

مربی باید در اداره جلسات جدی باشد و نکات مثبت جلسه را تقویت کند و نکات منفی آن را کاهش دهد و به سئوالات مثبت فراگیران پر و بال دهد و فراگیران را در این زمینه تشویق کند.

شخصیت دهی به فراگیران باعث افزایش علاقه فراگیران به جلسه و مباحث آن می شود و برعکس این قضیه نیز صادق هست.

مربی می تواند نقطه قوت فراگیر را تقویت کند و آن را رشد دهد و با این کار به نحوی واکنش سازی کند.





مربی می تواند در برخورد با فراگیری که از روی شوخی و خنده سئوالی می کند ولی سئوال سازنده را می پرسد با برخورد خود و تکیه به این سئوال سازنده آن را تقویت کند و به بخش مثبت سئوال توجه کند و واکنش سازی مثبت کند.

مربی باید به نقاط مثبت فراگیر در جلسه توجه کند و فراگیر را در این زمینه تقویت کند تا فراگیر بیش تر به تقویت نقاط مثبت خود پردازد و این مسئله باعث پیشرفت فراگیر خواهد شد.

در دوران نوجوانی که مسئله ی نفی خانواده صورت می گیرد مربی و جلسه جایگزین مناسبی برای این رفتار نوجوان می باشد.

اگر مربی بتواند در جلسه یا در مسجد زمینه برای فعالیت فراگیران ایجاد کند در تربیت و نقش دهی به فراگیر بسیار موثر و قابل استفاده است.

مربی باید توجه کند که بعضی از رفتارهای فراگیر به عنوان تجربه انجام می شود و یا حاصل از عواطف و احساس می باشد و نباید مربی آن را به عنوان رفتار ثابت فراگیر در نظر بگیرد.

مربی نباید در نفی خانواده به وسیله فراگیر با او هم سوی شود و باعث جدایی کامل او از خانواده شود.

